



مقاله پژوهشی

برابری جنسیتی یا عدالت جنسیتی؟ تحلیلی در حاشیه دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

مهدی شجریان

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

m.shajarian@isca.ac.ir

id 0000-0000-0000-0000

چکیده:

به اعتقاد آیت الله خامنه‌ای، برابری جنسیتی در همه موارد معتبر نیست؛ اما عدالت جنسیتی در همه جا معتبر است. بر همین اساس مسئله کانونی این مقاله این است که دلایل امتیاز و برتری عدالت جنسیتی کدام است. این نوشتار با روش تحلیلی انتقادی و مراجعه به اسناد متنی به بررسی برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است در اسناد بین‌المللی و منابع انگلیسی، دال مرکزی تفسیر عدالت جنسیتی «برابری» است و حول آن راهبردهای متنوعی بیان شده است. این در حالی است که در اندیشه اسلامی و حتی در نگاه بسیاری از عدالت‌پژوهان غربی، عدالت به برابری مطلق تفسیر نمی‌شود و راهبردهای مذکور نیز حاصل یک تقابل پارادایمیک بین باورهای اسلامی و فمینیستی هستند و تنها برخی از آن‌ها در سطح صوری قابل قبول‌اند؛ اما در اندیشه اسلامی معنای معتبر عدالت جنسیتی عبارت است از: «قرار دادن هر چیز در جای خودش در روابط میان زنان و مردان و قوانین، فرایندها و ساختارهای ناظر به آنان». در این تعریف موضوع عدالت زن و مرد است نه انواع جنسیت‌ها و شرط عدالت، قرار دادن هر چیز در جای خودش به سبب مراعات بیشترین مصالح و مفاسد ممکن است، نه رعایت برابری مطلق. در همین راستا استمداد از اجتهاد فقهی روزآمد، اصلاحات قانونی و ساختاری، اصلاحات فرهنگی، شایسته‌سالاری سیاسی و اجتماعی، خانواده محوری و توجه به ادراک عدالت جنسیتی، مهم‌ترین راهبردهای تحقق عدالت جنسیتی هستند.

واژگان اصلی: عدالت جنسیتی، برابری جنسیتی، آیت الله خامنه‌ای، مسائل زنان.



دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی



Doi: 10.22034/irsj.2025.512289.1117

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

دو کلیدواژه «عدالت جنسیتی»^۱ و «برابری جنسیتی»^۲ در بیانات مختلف آیت الله خامنه‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۷) در یکی از بیانات اخیر با تأکید بر تمایز این دو ذکر شده است: «اینکه شعار برابری جنسیتی به طور مطلق می‌دهند، غلط است. برابری جنسیتی در همه جا [معتبر] نیست؛ در یک‌جاهایی بله، برابری هست؛ اما در یک‌جاهایی هم برابری نیست و نمی‌تواند باشد. آنچه درست است عدالت جنسیتی است؛ عدالت جنسیتی در همه جا معتبر است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۱۰/۶).

به رغم تأکید آیت الله خامنه‌ای بر معتبر بودن عدالت جنسیتی؛ اما برای قانون‌گذار در مفهوم‌شناسی دقیق این کلیدواژه ابهاماتی وجود دارد. به همین دلیل این اصطلاح، هرچند در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه مطرح نشده است؛ اما برای اولین بار در ماده ۱۰۱ برنامه ششم توسعه ذکر شده است. بالاین همه در برنامه هفتم توسعه این کلیدواژه حذف شده است.

هدف این پژوهش، تبیین مفهومی دقیق عدالت جنسیتی و بیان تمایزات آن با برابری جنسیتی است. بر این اساس دلیل نامعتبر بودن برابری جنسیتی در همه موارد و معتبر بودن عدالت جنسیتی در کانون توجه است و برای این منظور با تکیه بر روش تحلیلی-انتقادی و با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای مختلف مراجعه شده است.

مسئله اصلی مقاله بدین شرح است: «دلایل امتیاز و برتری عدالت جنسیتی نسبت به برابری جنسیتی کدام است؟». مبتنی بر این سؤال اصلی در بخش اول یافته‌های مقاله با عنوان «بررسی برابری جنسیتی» راهبردهای برابری جنسیتی از منابع انگلیسی استخراج گردیده و مبتنی بر اندیشه اسلامی مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند تا وجه نامعتبر بودن این کلیدواژه نمایان شود. در بخش دوم یافته‌های مقاله با عنوان «بررسی عدالت جنسیتی»، مؤلفه‌های مفهومی و راهبردی عدالت جنسیتی با تأکید بر اندیشه اسلامی نیز تبیین خواهند شد، تا در نهایت بتوان به وجه معتبر بودن این کلیدواژه نیز پی برد.

1. Gender justice

2. Gender equality

۱. بررسی برابری جنسیتی

۱-۱. اهمیت عنصر برابری در منابع انگلیسی

«صندوق جمعیت سازمان ملل متحد»^۱ تأکید می‌کند که برابری جنسیتی برای تحقق حقوق بشر برای همه حیاتی است (United Nations Population Fund, 2005). سایر اسناد بین‌المللی نیز عدالت جنسیتی را به برابری جنسیتی تعبیر کرده‌اند (De Wit & other, 2016, p. 5; Mukhopadhyay & Navsharan, 2007, p. 14). بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، عدالت جنسیتی مستلزم پایان‌دادن و اصلاح نابرابری‌های موجود بین دو جنس است (Alhaji Ali & Buratai, n.d., p. 57). بر اساس «برنامه توسعه ملل متحد»^۲، عدالت جنسیتی پایان‌دادن به نابرابری بین زنان و مردان در قانون و عمل و فراهم کردن جبران خسارت برای این نابرابری‌ها است (Gender Justice, 2019; SARL, 2019, p. 4). قوانین اتحادیه اروپا کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا فرصت‌های برابر و برخورد برابر برای زنان و مردان در همه زمینه‌ها را تضمین کنند (Clavero & Galligan, 2021, pp. 1118-1119). برخی عدالت جنسیتی را به برابری به‌عنوان همسانی زن و مرد، برابری به‌عنوان ارزش‌گذاری یکسان این دو و برابری به‌عنوان بازتعریف ساختارهای اجتماعی تعبیر کرده‌اند (MacArthur, 2022, p. 1). در آثار برخی نویسندگان برای تثبیت معنای برابری در عدالت جنسیتی، از واژه «انصاف»^۳ نیز استفاده شده است؛ با این توضیح که انصاف بین زن و مرد با صرف برابری صوری حاصل نمی‌شود؛ بلکه مستلزم تحقق برابری در نتایج ملموس و عینی است (Shree Singh, 2020, p. 7). چنانچه از مفهوم «عدم تبعیض»^۴ نیز استفاده شده که با مفهوم برابری نزدیک است (Clavero & Galligan, 2021, p. 119).

۲-۱. مروری بر راهبردهای برابری جنسیتی

اهمیت عنصر برابری در تبیین دیدگاه فمینیستی، جای تردید ندارد. به باور برخی نویسندگان «فمینیسم از برابری به‌عنوان تنها ملاک تحقق عدالت کوتاه نمی‌آید» (علاسوند،

^۱. UNFPA

^۲. United Nations Development Programme

^۳. Fairness

^۴. Non dirrr iii nation

۱۴۰۳: ۷۹) و «در این تلقی حقوقی، تنها ارزش برابری است و هیچ ارزش یا هنجار دیگری در کنار آن حائز اهمیت نیست» (علاسوند، ۱۴۰۳: ۸۵).

بررسی منابع فوق نشان می‌دهد که سایر مفاهیم تبیین‌کننده عدالت جنسیتی، در حاشیه دال مرکزی برابری قرار دارند و از لوازم و فروع آن محسوب می‌شوند. این مفاهیم فرعی به تعبیری «راهبردهای برابری جنسیتی» هستند. «راهبرد»^۱ به: «روشی کلی برای رسیدن به هدفی کلی» (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۹) اشاره دارد. بنابراین راهبردهای برابری جنسیتی، برنامه‌های عملیاتی کلی هستند که تحقق آن‌ها هدف اصلی برابری بین دو جنس را محقق خواهند کرد. بر اساس بررسی که در منابع انگلیسی صورت پذیرفته است، راهبردهای برابری جنسیتی را می‌توان در ضمن ده عنوان برشمرد. این عناوین لزوماً تباین نداشته و محصور نیز نیستند. تلاش نویسنده در اینجا ارائه واژگانی است که در حاشیه این دال مرکزی مورد تأکید هستند، تا تصویر روشنی از برابری جنسیتی به دست آید.

جدول ۱: راهبردهای برابری جنسیتی

ردیف	عنوان راهبرد	توضیح
۱	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون، برابری همه زنان و مردان در برابر قانون و رعایت برابری در اجرای قانون را می‌طلبد (SARL, 2019, p. 6). از طریق اصلاحات قانونی که هنجارهای تبعیض‌آمیز را برطرف می‌کند، رویکردی جامع برای ترویج برابری جنسیتی محقق خواهد شد (Gender Justice, 2019).
۲	اصلاحات ساختاری	برابری جنسیتی در هسته خود به دنبال اصلاح سیستم‌ها و ساختارهایی است که نابرابری‌ها را جاودانه کرده (MacArthur, 2022, p. 1) و روابط متعادل بین زن و مرد را از بین می‌برند (Neuenfeldt, 2015, p. 23). نهادها، از جمله سازمان‌های دولتی، غیردولتی و بخش خصوصی برابری را تسهیل می‌کنند (Abdullah Noor, 2024, p. 290).
۳	اصلاحات فرهنگی	هنجارهای اجتماعی جنسیتی مثل اختصاص نقش‌های مراقبتی به زنان، مانع از تحقق برابری جنسیتی هستند (Dobranja, Jahaj, & Loshaj, 2024, p. 2). این هنجارهای فرهنگی گاهی ظاهری

^۱. Strategy

ردیف	عنوان راهبرد	توضیح
		خصمانه داشته و گاهی با ظاهری خیرخواهانه اما در راستای مردسالاری اعمال می‌شوند (Dobranja et al., 2024, p. 2).
۴	برابری در نتایج	لازم است در متن جامعه فرصت‌ها و خیرات اجتماعی به صورت برابر بین زن و مرد توزیع گردد (What is Gender Justice?, 2024). برابری جنسیتی نه تنها به معنای برابری در قوانین و فرصت‌ها است، بلکه به معنای برابری مطلق در نتایج نیز هست (Mukhopadhyay & Navsharan, 2007, p. 4).
۵	مقابله با موقعیت فرعی زنان در اجتماع	زن در طول تاریخ در ساختار حیات اجتماعی موقعیتی فرعی داشته و اینک لازم است حضور یکسان اجتماعی داشته باشد (Haque, Hossain, & Das, 2021, p. 58). موقعیت فرعی زنان موجب اتلاف منابع انسانی و تضعیف اقتصادی شده است و برابری جنسیتی به کارآمدی خواهد انجامید (Clavero & Galligan, 2021, pp. 1118-1119).
۶	مقابله با خشونت علیه زنان	برای تحقق برابری جنسیتی باید با خشونت مبتنی بر جنسیت (Johns, 2020, p. 4)، خشونت‌های فیزیکی، ساختاری و فرهنگی مقابله کرد (Okan, 2024, pp. 761-762). دولت‌ها باید در زمینه جلوگیری، محافظت، تعقیب، مجازات و ارائه غرامت عوامل دولتی یا غیردولتی خشونت اقدام کنند (SARL, 2019, p. 6).
۷	تبعیض مثبت	تبعیض مثبت، سیاست‌ها و اقدامات پیشگیرانه یا جبرانی است که باهدف رفع تبعیض‌های گذشته برای زنان صورت می‌پذیرد و آن‌ها را به وضعیت برابر با مردان می‌رساند (T. Zachos & Patsikouridi, 2020, p. 795). عنصر کلیدی برابری جنسیتی، تنظیم مجدد ترازو به نفع زنان است (Shree Singh, 2020, pp. 2-4).
۸	مخالفت با تقسیم‌کار سنتی در محیط خانواده	شکل سنتی تقسیم‌کار در خانواده (نان‌آوری مرد بیرون از خانه و مراقبت زن درون خانه) به نابرابری جنسیتی دامن می‌زند و باید با آن مقابله کرد (Haque, et al., 2021, p. 58). (Ohagwu Esq., 2015, p. 68). نه تنها زنان در ضمن این تقسیم مورد ظلم واقع می‌شوند (Haque, et al., 2021, p. 58)، بلکه مردان نیز ظلم می‌بینند (United Nations Population Fund, 2005).
۹	توزیع برابر خیرات	همه افراد جامعه، صرف‌نظر از جنسیت، باید به‌طور برابر از منابع

ردیف	عنوان راهبرد	توضیح
	اجتماعی	و فرصت‌هایی که جامعه فراهم می‌کند نظیر آموزش، اشتغال، خدمات بهداشتی و مانند آن بهره‌مند شوند (Meiliana & Mayrudin, 2024, p. 154). ترویج برابری جنسیتی به توزیع برابر این امور ختم می‌شود (Gordon, 2019, p. 20).
۱۰	به رسمیت شناختن اقلیت‌های جنسی (LGBTQ+)	به دلیل اهمیت این راهبرد با اندکی تفصیل آن را در ادامه تحلیل خواهیم کرد.

توجه به اقلیت‌های جنسی، یکی از مهم‌ترین عناصر راهبردی در تفسیر منابع انگلیسی از برابری جنسیتی است. مهم‌ترین نکاتی که در این راستا از منابع مذکور برداشت شده است به شرح جدول ذیل است.

جدول ۲: توجه به اقلیت‌های جنسی

ردیف	عنوان نکته	توضیح
۱	مقصود از LGBTQ+	گروه متنوع و غیر محصور از افراد (اقلیت‌های جنسی یا جنسیتی)، نظیر، هم‌جنس‌گرا، دگرجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و غیره که از نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه پیروی نمی‌کنند و مدعی جنسی غیر از دوگانه شناخته‌شده زن و مرد هستند (Groot, 2024, p. 2).
۲	ملاک تعیین اقلیت جنسی	۱. «انتخاب فردی» ^۱ ، که به‌صورت صریح اراده شخص را مطرح کرده و آن را در تعریف برابری جنسیتی نیز اخذ می‌کند (Kumar Das, 2004, p. 1). ۲. «هویت جنسی» ^۲ ، به معنای تجربه فردی عمیق هر فرد از جنسیت خود، که ممکن است با جنسیتی بیولوژیک و بر ساخت‌های اجتماعی مطابقت نداشته باشد (Groot, 2024: 2).

^۱. Personal choice

^۲. Gender identity

ردیف	عنوان نکته	توضیح
۳	طریقه شناخت اقلیت جنسی	«بیان جنسیتی» ^۱ ؛ یعنی نحوه ابراز هویت جنسیتی فرد به بیرون. این ابراز می‌تواند از طریق لباس، رفتار، صدا، نام انتخابی و سایر نشانه‌های ظاهری و رفتاری صورت گیرد (Groot, 2024, p. 2).
۴	به چالش کشیدن دوگانه زن و مرد	محدود کردن انسان‌ها به دوگانه زن و مرد، غلط است (OutRight Action International, n.d., p. 1) و یک باور پس‌گرایانه‌ای است که می‌تواند دهه‌ها پیشرفت قانونی در مورد به رسمیت شناختن تبعیض مبتنی بر جنسیت را خنثی کند (Ipsos, 2024, p. 9).
۵	تعمیم موضوع عدالت جنسیتی از زن و مرد	عدالت جنسیتی برابری در خصوص زنان و مردان نیست بلکه شامل هرکسی با هر گرایش جنسی یا جنسیتی می‌شود (Haque, et al., 2021, p. Amir Hossain).
۶	انتقاد از نگاه ارزش‌داورانه به رفتار اقلیت‌های جنسی	در مورد این اقلیت‌ها روایت‌های نادرست، گمراه‌کننده یا ناصحیح مبتنی بر کلیشه‌های مضر منتشر می‌شود و آنان را افرادی خطرناک و ناپاک جلوه می‌دهد یا جنایت‌کار ذاتی معرفی می‌کند (Peck, 2022, p. 125).
۷	سنتی شمردن نگاه‌های انتقادی به اقلیت‌های جنسی	به‌صورت کلی به چالش کشیدن تفکرات سنتی و قدیمی در بین نویسندگانی که طرفدار حمایت از این افراد هستند، امری مشهود است (Davis & Kirby, 2024).

۳-۱. نقد و بررسی راهبردهای برابری جنسیتی

نقد و بررسی تفصیلی این راهبردها در این مجال میسر نیست. در ادامه در کمال اختصار نگاه کلان انتقادی خود که در مقالات و کتب قبلی نگارنده (شجریان، ۱۴۰۱ الف؛ شجریان، ۱۳۹۹ الف؛ شجریان، ۱۳۹۹ ب)، همراه با مستندات تفصیلی تشریح شده است را شرح خواهیم داد.

راهبردهای برابری جنسیتی را در سه لایه مبانی، صورت و محتوا می‌توان تحلیل کرد و به نقد و بررسی آن‌ها پرداخت:

^۱. Gender expression

۱-۳-۱. انتقادات مبنایی

عدالت جنسیتی در تفسیر غربی خود مبتنی بر مکاتب فکری مختلفی نظیر مارکسیسم، لیبرالیسم، اومانیسم و مانند آن شکل گرفته است. فمینیست‌ها از هرکدام از این مکاتب اصولی را اخذ کرده و تلاش کرده‌اند به پارادایم فکری منسجمی دست یابند. مهم‌ترین اختلافات مبنایی این پارادایم با اندیشه اسلامی را می‌توان در چهار محور به شرح جدول ذیل بیان کرد.

جدول ۳: اختلافات مبنایی پارادایم فمینیستی پارادایم اسلامی

گرایش غالب در الهیات فمینیستی «الهیات تنزل» است (شجریان و واعظی، ۱۳۹۸) که مبدأ هستی در آن موجودی مادی، دارای نقص (ساشوکی، ۱۳۸۲: ۱۸۸-۱۸۹)، متحد با طبیعت و محدود است (Wood, 2015, p. 6). چنین خدایی هیچ نقشی در تعیین راهبردهای عدالت جنسیتی نخواهد داشت.	تفاوت نگاه در مبدأ هستی
در نگرش اسلامی مبدأ هستی کامل مطلق است که ربوبیت تکوینی و تشریعی بر نظام هستی دارد (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۴: ۱۲۳) و نسبت به مخلوقات خود «حق طاعت مطلق» دارد (صدر، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۲۱). در پارادایم اسلامی «کشف اراده مبدأ هستی» جهت تعیین راهبردهای عدالت جنسیتی بسیار مهم است و دانش فقه عهده‌دار آن است.	
انسان‌شناسی فمینیستی عمدتاً مادی است و مباحث متافیزیکی در آن بسیار محدود است (Heywood, 2017, pp. 310-311; مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۰۵). ملاک برتری جنسی انسان در آن امری محل نزاع است اما حضور در سپهر اجتماعی ملاکی نسبتاً پذیرفته شده است (Reed, 1978, p. 26).	تفاوت نگاه در انسان‌شناسی
انسان‌شناسی اسلامی عمدتاً متافیزیکی است و جنبه ماورایی وجود انسان (نفس) در آن اصالت دارد. برتری انسان به میزان عبودیت او بستگی دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱: ۲۱) که از طریق عمل به وظایف عقلی و شرعی محقق می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۵۸۶) و در نتیجه نمی‌توان حضور اجتماعی را دارای ارزش ذاتی برای زن یا مرد شمرد.	
در اندیشه‌های معاصر فمینیستی نه‌تنها جنسیت^۱ (امور زنانه و مردانه به‌حسب تلقی فرهنگی و اجتماعی (Burr, 2002, p. 11))، بلکه جنس^۱	تفاوت نگاه در تفسیر جنس و

^۱. Gender

جنسیت	(دوگانه بیولوژیک زن و مرد (دلفی، ۱۳۸۵: ۱۶۳)) نیز اشاره به تمایزاتی ناروا دارند که ماهیت همه آن‌ها برساخت‌های اجتماعی غیر اصیل است (Kessler & McKenna, 1985, p. 102).
	در اندیشه اسلامی نه تنها جنس تمایزی واقعی است بلکه تمام تمایزات جنسیتی را نیز نمی‌توان برساخت صرف شمرد بلکه دست‌کم برخی از آن‌ها ریشه در تمایزات جنسی واقعی میان زن و مرد دارند.
	چنانچه در بخش اهمیت عنصر برابری گذشت، عدالت در نگاه فمینیستی به «عدالت مساواتی» تفسیر شده است و هرگونه تمایز میان حقوق زنان و مردان در آن امری غیرعادلانه تلقی می‌شود (Alhaji Ali & Buratai, n.d., p. 57).
تفاوت نگاه در تفسیر عدالت	عدالت در نگاه اسلامی به «عدالت استحقاقی» تفسیر شده است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۷: ۱۰۰؛ صدرالدین شیرازی ۱۳۶۳، ج ۲۵: ۱۵۶). این تفسیر به معنای نفی هرگونه برابری برای تحقق معنای عدالت نیست. پیداست که مثلاً زن و مرد در کمالات انسانی و بسیاری از حقوق برابر هستند؛ اما برابری این دو در تمام ساحت‌ها (برابری مطلق) در این دیدگاه پذیرفته نیست (شجریان، ۱۴۰۳: ۶۲-۶۴) بر همین اساس است که می‌توان برخی حقوق و تکالیف متمایز را که مبتنی کشف اراده شارع و تمایزات جنسی و جنسیتی اعتبار شده‌اند، به رسمیت شناخت.

۱-۳-۲. انتقادات صوری

راهبردهای ده‌گانه بیان‌شده از نظر صوری وضعیت یکسانی ندارند. برخی (شش راهبرد اول) از آن‌ها قابل قبول هستند و در پارادایم اسلامی نیز می‌توان آن‌ها را هرچند با محتوایی نسبتاً متفاوت مطرح کرد. اما برخی دیگر از آن‌ها (چهار راهبرد اخیر) حتی به لحاظ صوری با پارادایم اسلامی سازگار نیستند. این مدعا در جدول ذیل به اختصار تبیین خواهد شد.

جدول ۴: بررسی صوری راهبردهای برابری جنسیتی

^۱. Sex

راهبردهای قابل قبول	حاکمیت قانون	بدون وجود آن جامعه به هرج و مرج مبتلا می شود و از موازین قانونمند عادلانه فاصله پیدا می کند.
	اصلاحات ساختاری	در نظم پیچیده روابط اجتماعی در دنیای مدرن تردیدی در اهمیت این اصلاحات نیست و بدون آن هرگز نمی توان جامعه را به نقطه مطلوبی از عدالت اجتماعی رساند.
	اصلاحات فرهنگی	به منزله رفع موانع هستند و با وجود آن ها راهبردهای قبلی نتیجه مطلوب در پی نخواهند داشت.
	برابری در نتایج	این راهبرد در مواردی که استحقاق زن و مرد در بهره مندی از یک خیر اجتماعی برابر است، لازم و ضروری است.
	مقابله با موقعیت فرعی زنان در جامعه	با صرف نظر از تفسیر مصادیق موقعیت فرعی
	مقابله با خشونت علیه زنان	با صرف نظر از تفسیر مصادیق خشونت
راهبردهای غیر قابل قبول	تبعیض مثبت	این راهبرد نوعی پارادوکس درونی دارد؛ زیرا تبعیض در تفسیر اسلامی مطلق نابرابری نیست، بلکه نابرابری ظالمانه است و چنین چیزی مثبت تلقی نمی شود. بر اساس تفسیر عدالت به برابری، تبعیض مثبت به معنای رساندن اصناف محروم به وضعیت برابری، عادلانه تلقی می شود؛ اما بر اساس تفسیر عدالت به استحقاق، تنها باید محرومین از حقوق شایسته را بهره مند ساخت، هر چند در نهایت وضعیت برابر شکل نگیرد. برای مثال در وضعیتی که مناصب سیاسی غیر عادلانه بین زن و مرد تقسیم شده است؛ تبعیض مثبت صرف زن بودن را به دلیل ایجاد نابرابری در این عرصه، شاخصی برای تصاحب این مناصب محسوب خواهد کرد و تا مرز برابری در نتایج پیش خواهد رفت اما عدالت استحقاقی، به شایستگی زنان صرف نظر از جنسیت آن ها توجه خواهد کرد و التزامی به برابری در نتایج نیز ندارد.

مخالفت با تقسیم‌کار سنتی در محیط خانواده	هرچند از نظر برخی فمینیست‌ها مسئله کانونی عدالت جنسیتی، تقسیم‌کار بین زن و مرد به صورت مساوی است، اما در نگاه اسلامی این امر قابل قبول نیست؛ زیرا مبنای این راهبرد انکار تمایزات جنسی و جنسیتی است. برای مثال صرف نظر از موارد استثنا، در غالب موارد مراقبت از فرزندان با خصوصیات جسمی، روحی و روانی مادران تناسبی بیشتر دارد؛ چنانچه اشتغال به مشاغل سخت، با خصوصیات مردان این گونه است و ایجاد برابری در این نقش‌ها، مستلزم قرار دادن شیء در غیر جای خودش و غیرعادلانه است.
توزیع برابر خیرات اجتماعی	مبنای این راهبرد نیز انکار جنس و جنسیت و تفسیر عدالت به برابری است که از نظر اسلامی قابل قبول نیستند. برای مثال وقتی مرد را متناسب با ساختار وجودی خودش عهده‌دار تأمین مخارج خانه قرار دادیم، آنگاه نمی‌توان در عین اینکه این تکلیف مازاد بر دوش اوست، حق او در بهره‌مندی از خیرات اجتماعی را نیز با زنان غیر سرپرست خانواده برابر شمرد. در اینجا تأکید روی «بهره‌مندی» عینی است، نه صرف «امکان بهره‌مندی». پیداست که برابری زن و مرد در امکان دستیابی به خیرات اجتماعی غیر از برابری مکانیکی زن و مرد در نفس دستیابی عینی به این امور است. فمینیست‌ها با تأکید بر راهبرد «برابری در نتایج» دومی را طلب می‌کنند، در حالی که ایجاد وضعیت عینی برابری مکانیکی در سطح جامعه، با توجه به تمایزات جنسی و جنسیتی میان زن و مرد، عادلانه نخواهد بود.
به رسمیت شناختن LGBTQ+	در خصوص این راهبرد نکات انتقادی متعددی وجود دارد: الف. ناسازگاری با مبانی نظری: این راهبرد اولاً هیچ توجهی به کشف اراده شارع ندارد؛ ۱. تفسیری مادی از انسان ارائه می‌دهد و برتری او را در بندگی خدا و مخالفت با هوای نفس جستجو نمی‌کند؛ ۲. تمایزات جنسی و جنسیتی را به کلی انکار می‌کند و ۳. عدالت را به برابری مطلق تفسیر می‌نماید. در نتیجه با همه مبانی نظری پیشین ناسازگار است. ب. ترویج بی‌عفتی و سستی نهاد خانواده: در این راهبرد

ملاک خروج از دوگانه زن و مرد نه اثبات علمی و زیست شناسانه این مدعا بلکه صرفاً «انتخاب فردی» هر یک از شهروندان است. این روند به معنای تبعیت از میل و هوس در نیازهای جنسی است که مرتبه‌ای از بی‌عفتی و هرزگی بوده و به سستی نهاد خانواده خواهد انجامید.		
---	--	--

۱-۳-۳. انتقادات محتوایی

در خصوص راهبردهای شش‌گانه نخست، هرچند از نظر صوری آن‌ها را بپذیریم، اما سؤال از محتوای آن‌ها با پاسخ‌های متفاوتی در پارادایم اسلامی و فمینیستی مواجه خواهد شد. در جدول ذیل ضمن نشان دادن تمایز کلان محتوایی در این راهبردها بین دو پارادایم، به مثال‌های متفاوتی که هر یک در پی دارند نیز اشاره می‌کنیم.

جدول ۵: تمایز تفاسیر فمینیسم و اسلامی در راهبردهای ذکرشده

عنوان راهبرد	تفسیر فمینیسم	تفسیر اسلامی	مثال
حاکمیت قانون	باید در جامعه قوانین و ساختارهایی شکل گیرند که برابری مطلق بین انواع جنسیت‌ها را رقم می‌زنند.	قوانین و ساختارها باید مطابق با استحقاق زنان و مردان و متناسب با تمایزات جنسی و جنسیتی آن‌ها پی‌ریزی شود.	در نگاه فمینیستی قانون باید اجازه هر نوع پوششی به زن را بدهند؛ اما در نگاه اسلامی قانون باید پوشش عقیانه را ترویج کند.
اصلاحات ساختاری			در نگاه فمینیستی ساختار خانواده توسعه پیدا کرده و شامل خانواده‌های هم‌جنس‌گرا نیز می‌شود؛ اما در نگاه اسلامی این ساختارها عادلانه نیست.
اصلاحات فرهنگی	هر فرهنگی که نوعی از نابرابری را در میان انواع جنسیت‌ها رواج می‌دهد غلط است و باید با آن مقابله کرد.	فرهنگ‌هایی که برابری ناموجهی را نهادینه کرده‌اند و منجر به تبعیض در حق زن یا مرد شده‌اند باید طرد شوند.	در نگاه فمینیستی بر خلاف نگاه اسلامی، ارزشمندی نقش مادری، یک مانع فرهنگی در مسیر برابری جنسیتی است. در نگاه اسلامی عورت انگاری زن یک تلقی فرهنگی غلط است.
برابری	باید در تمام ساحات	باید تنها در مواردی	در نگاه فمینیستی برخلاف نگاه

عنوان راهبرد	تفسیر فمینیسم	تفسیر اسلامی	مثال
در نتایج	بین انواع جنسیت‌ها برابری ایجاد کرد.	که زن و مرد استحقاق برابر دارند، به دنبال ایجاد نتایج برابر بود و بر همین اساس استحقاق نابرابر، نابرابری در نتایج را رقم می‌زند؛ نظیر حمایت‌های لازم از زنان در شرایط ویژه.	اسلامی مناصب سیاسی باید بالسویه بین زن و مرد تقسیم شود. در نگاه اسلامی باید دسترسی به امکانات آموزشی بالسویه بین زن و مرد تقسیم شود.
مقابله با موقعیت فرعی زنان	زن و مرد در موقعیت‌های اجتماعی باید در شرایطی کاملاً برابر باشند و زنان از سپهر اجتماعی به‌اندازه مردان بهره‌مند شوند.	تنها در مواردی که محرومیت اجتماعی زنان منجر به نادیده گرفتن استحقاق آن‌ها شده است، باید با محرومیت مقابل کرد.	در نگاه فمینیستی عدم حضور زنان در مشاغل سخت و مردانه، موقعیت فرعی است و باید با آن مقابله شود. در نگاه اسلامی عدم امکان دسترسی زنان به مناصب اجتماعی که شایسته آن‌ها هستند، موقعیتی فرعی است.
مقابله با خشونت علیه زنان	علاوه بر مقابله با خشونت شخصی و فیزیکی علیه زنان، باید با ساختارهای نابرابرانه‌ای که در جامعه وجود دارند مقابله کرد.	نابرابری در ساختارها به‌خودی‌خود مصداق ظلم و خشونت نیستند، مگر اینکه موجب محرومیت یک جنس از حقوق شایسته خود شود.	به اعتقاد فمینیست‌ها تفکیک جنسیت در مدارس و مراکز آموزشی، یک ساختار خشونت‌آمیز است که باید با آن مقابله کرد؛ اما در نگاه اسلامی این امر به‌خودی‌خود خشونت تلقی نمی‌شود.

۲. بررسی عدالت جنسیتی

۲-۱. مؤلفه‌های مفهومی عدالت جنسیتی

پس از نقد و بررسی برابری جنسیتی و تبیین تمایزات راهبردهای آن با اندیشه اسلامی، اینک می‌توان معنای صحیح از عدالت جنسیتی در پارادایم اسلامی را شرح داد. به نظر می‌رسد معنای صحیح عدالت جنسیتی برخلاف برابری جنسیتی در همه موارد و به صورت مطلق، از این قرار است: «قرار دادن هر چیز در جای خودش در روابط میان زنان و مردان و قوانین، فرایندها و ساختارهای ناظر به آنان». مؤلفه‌های مفهومی این تعریف در ادامه تشریح خواهند شد.

۲-۱-۱. اراده معنای زن و مرد از جنسیت

هرچند چنانچه گذشت موضوع عدالت در برابری جنسیتی انواع جنسیت‌ها و اقلیت‌های جنسیتی است؛ اما جنسیت در معنای اسلامی عدالت جنسیتی، معادل Gender نیست بلکه به حسب استعمال رایج در زبان فارسی به زن و مرد اشاره دارد (معین، ۱۳۸۱: ۱۲۴۶؛ اخیانی و انوری، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۱۹۹). به همین دلیل در تعریف به قید «زنان و مردان» تصریح شده است. این امر بدان جهت است که بر اساس آموزه‌های اسلامی، مرد بودن و زن بودن امری تکوینی و طبیعی است، که برخلاف دیدگاه برابری جنسیتی، به اراده و انتخاب افراد گره نخورده است. عدالت جنسیتی به دنبال تحقق عدالت برای این دوگانه تکوینی است. پیداست که گفت‌وگو در باب وجود یا عدم وجود جنسی دیگر غیر از این دو، که مسئله‌ای بیولوژیک است به حقوق متناسب با این افراد بسته نیست؛ اما برخلاف رویکرد برابری جنسیتی، عدالت جنسیتی گفتمانی برای توجه خاص به این افراد و ادعای حقوق برابر برای آنان نیست. این موضوع که در جامعه ایرانی به مسئله نیز تبدیل نشده است، باید در تحقیقات مستقل و با ذکر عناوین مستقل مورد توجه قرار گیرد.

۲-۱-۲. مخالفت با برابری مطلق

برخلاف برابری جنسیتی، دال مرکزی در این تعریف «برابری» نیست؛ زیرا بر مبنای اسلامی، وجود برخی از تمایزات بین زنان و مردان امری مسلم است. زن و مرد به‌رغم تفاوت‌های جسمی، روحی و مانند آن، در اصل انسانیت و بهره‌مندی از کمالات انسانی که اساس وجودی آن‌ها است، برابر هستند و همین امر مبنای اولیه در برابری حقوقی میان این دو است؛ اما این امر به برابری آن‌ها در مطلق حقوق و تکالیف منجر نمی‌شود (شجریان، ۱۴۰۱ الف، ۵۹-۶۵). برخلاف رویکرد برابری جنسیتی، تمایزات بیولوژیک بین زن و مرد که از نظر علمی نیز ثابت‌شده است (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۱۸؛ ویت‌کین، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۶)، مورد غفلت قرار نخواهند گرفت و این تمایزات دست‌کم برخی نابرابری‌های حقوقی بین آنان را توجیه می‌کند.

۲-۱-۳. قرارداد هرچیز در جای خودش

دال مرکزی در این تعریف «قرار دادن هرچیز در جای خود» است (شریف الرضی، ۱۳۷۲: ۵۵۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲۱: ۳۹۱)، اعم از اینکه این قرار دادن به اعطای یک حق خاص به ذی‌حق منجر بشود یا نه. این معنای عام صرفاً در روابطی که در آن‌ها «حق» قابل تصویر است مطرح نمی‌شود بلکه در هر موطن و جایگاهی که یک «ساختار» وجود داشته باشد، می‌توان از عدالت به این معنا سخن گفت. ساختار به هر مجموعه دارای اجزا اطلاق می‌شود که بین اجزای آن نوعی نظم و هماهنگی برقرار است (اخینانی و انوری، ۱۳۸۱، ج ۵: ۳۹۶۳) در روابطی که حقی قابل تصویر است، مثل روابط زوجین در محیط خانواده، عدالت به معنای اعطای حق است و در روابطی که حقی تصویر نمی‌شود، مثل تنظیم مناسبات و ترسیم فرایندها و ساختارهای اجتماعی، عدالت با معنای عام خود مصداق پیدا می‌کند.

۲-۱-۴. عدالت در سطح ساختاری

عدالت اجتماعی در معنای مدرن خود با موضوع فرایندها و ساختارها عجین شده است (واعظی، ۱۴۰۰: ۱۸). در این معنا به صرف عادل بودن عوامل انسانی، عدالت اجتماعی محقق نمی‌شود؛ بلکه شرط لازم آن عادلانه بودن سطح فرایندها و ساختارها است. در تعریف فوق نیز شرط لازم عدالت جنسیتی، مراعات عدالت به معنای عام آن در فرایندها و ساختارها است؛ در نتیجه این تعریف سویه اجتماعی دارد. بر این اساس مثلاً لازم است در ساختار نهاد آموزش، جنسیت در تخصیص رشته‌های آموزشی زنان، مثل متخصصین بیماری‌های زنان مورد توجه قرار گیرد.

۲-۱-۵. تبعیت از مصالح و مفاسد

قید «درجای خودش» در این تعریف، ارتباط عمیق تعریف مدنظر با عنصر مصلحت و مفاسد را نشان می‌دهد (شجریان، ۱۴۰۳: ۷۱-۷۴). امر عادلانه امری است که در روابط فردی و اجتماعی بیشترین سطح مصلحت را برای عموم شهروندان ایجاد کرده و از کمترین مفاسد احتمالی نیز حتی‌الامکان ممانعت کند (شجریان، ۱۴۰۳: ۷۱-۷۴) از همین رو در این تعریف از عدالت جنسیتی، دغدغه قانون‌گذار کشف و مراعات این مصالح و مفاسد در سطوح مختلف خواهد بود.

۲-۱-۶. امکان تمایزات جنسیتی غیر عادلانه

این تعریف نسبت به تمایزات جنسیتی کور نیست و تعبیر «روابط میان زنان و مردان» صرف‌نظر از تصریح به تمایز جنسی، توجه به تمایزات جنسیتی نیز دارد. تمایزات جنسیتی بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی (امور زنانه و مردانه) هستند که بین زن و مرد مرزبندی کرده‌اند. در «برابری جنسیتی» تمامی این تمایزات مضر تلقی شده و کنار نهاده می‌شوند؛ اما در عدالت جنسیتی مبتنی بر مراعات عنصر مصلحت و مفاسد، حکم کلی وجود ندارد بلکه برخی از آن‌ها عادلانه و برخی نیز غیر عادلانه شمرده خواهند شد.

به نظر می‌رسد عدالت جنسیتی در سخنان اخیر آیت‌الله خامنه‌ای، به معنای فوق بسیار نزدیک است: «در وظایف مربوط به خانواده وظایف [بین زن و مرد] یکسان نیست، هرکدام یک نوع وظیفه‌ای دارند. امکانات، ظرفیت‌های جسمی، ظرفیت‌های روحی، به هرکدام یک وظیفه‌ای را محوّل می‌کند؛ اینجا جنسیت نقش دارد. اینکه شعار «برابری جنسیتی» به طور مطلق می‌دهند، غلط است. برابری جنسیتی در همه‌جا [معتبر] نیست؛ در یک جاهایی بله، برابری هست، اما در یک‌جایی هم برابری نیست و نمی‌تواند باشد. آنچه درست است «عدالت جنسیتی» است؛ «عدالت جنسیتی» در همه‌جا معتبر است. «عدالت» یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. ساخت روحی زن، ساخت جسمی زن، ساخت عواطفی زن، اقتضای یک مسائلی را می‌کند. فرزندآوری، فرزندداری و دامن پرورش فرزند، کار زن است؛ از مرد این کار برنمی‌آید و خدای متعال او را برای این کار خلق نکرده است؛ او برای یک کار دیگر است؛ کار بیرون خانه، کار [رفع] مشکلات خانه. اما در حقوق خانوادگی یکسان‌اند: *وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ*؛ یعنی همان قدر که مرد در خانواده حق دارد، زن همان اندازه در خانواده حق دارد؛ این آیه قرآن است. پس در حقوق خانوادگی یکسان، اما در وظایف خانوادگی نه. ... زن بایست در کنار مرد احساس آرامش کند، احساس امنیت کند؛ چهاردیواری خانه محل آسایش و امنیت است. اگر رفتار شوهر جوری باشد که زن را از این احساس امنیت محروم کند، زن احساس ناامنی کند، شوهر بددهنی کند یا بسیار بدتر و فجیع‌تر، دستش را به کار بیندازد، این مطلقاً قابل قبول نیست. راهش چیست؟ راهش قوانین سخت است؛ من بارها این را گفته‌ام. باید قوانین سختی [وضع شود]. ... یک مسئله، مسئله مشاغل اجتماعی و مدیریت‌ها است که این را بعضی از خانم‌ها از من سؤال کردند. اینجا هم مسئله جنسیت مطرح نیست. در مدیریت‌های گوناگون، مشاغل گوناگون اجتماعی و دولتی، حضور زنان هیچ محدودیتی ندارد. اینجا ملاک، شایسته‌سالاری است. یکجا هست که یک بانوی باسواد مجرب کارآمد مثلاً برای وزارت بهتر از این مردی است که در این زمینه نامزد وزارت شده؛ این زن باید وزیر بشود. در مورد نمایندگی مجلس هم همین جور است. هیچ ترجیحی اینجا وجود

ندارد، هیچ محدودیتی هم در این زمینه‌ها وجود ندارد؛ یعنی نظر اسلام این است. بحث، بحث شایسته‌سالاری است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۱۰/۰۶).

تمام شش نکته پیش گفته را می‌توان از سخنان فوق استخراج کرد:

۱. موضوع مورد بحث در عدالت جنسیتی، زن و مرد است؛
۲. هرچند در برخی موارد برابری بین زن و مرد عادلانه است، اما برابری مطلق بین آن دو در همه عرصه‌ها صحیح نیست؛
۳. عدالت در اینجا «قرار دادن هرچیز در جای خود» (معنای عام عدالت) است؛
۴. عدالت جنسیتی سویه اجتماعی دارد و عادل بودن عاملیت انسانی در آن کافی نیست؛ بلکه اصلاحات قانونی و ساختاری (نظیر اشراب شایسته‌سالاری بدون لحاظ جنسیت در سطح ساختاری) نیز در آن لازم است؛
۵. عدالت جنسیتی منوط به مراعات مصالح و مفاسد واقعی است و به همین دلیل نمی‌توان اقتضای ساخت روحی، جسمی و عاطفی زن و مرد را در آن نادیده گرفت؛
۶. به حسب مراعات مصالح و مفاسد، برخی تمایزات جنسیتی نظیر «زنانه بودن نقش‌های مراقبتی» عادلانه هستند؛ اما درعین حال برخی دیگر از آن‌ها نظیر «مردانه بودن مشاغل سیاسی» عادلانه نیستند.

۲-۲. مؤلفه‌های راهبردهای عدالت جنسیتی

پس از شرح و تعریف معنای عدالت جنسیتی و دستیابی به تعریف مطلوب برای آن و نیز نقد و بررسی راهبردهای برابری جنسیتی، اینک می‌توان اهم راهبردهای عدالت جنسیتی بر مبنای تعریف برگزیده از آن را شرح داد. پیداست که توجه به این راهبردها و

نصب‌العین قرار دادن آن‌ها، اثرات مستقیم و غیرمستقیم فراوانی در عرصه سیاست‌گذاری خواهد داشت.

۲-۱-۲. استمداد از اجتهاد فقهی روزآمد

مهم‌ترین راهبرد برای تحقق عدالت جنسیتی در جمهوری اسلامی ایران و مبتنی بر قانون اساسی موجود، استمداد از اجتهاد فقهی روزآمد است. تمامی راهبردهای بعدی در سایه این راهبرد به نقطه مطلوب خواهند رسید و بدون توجه عمیق به این راهبرد، راهبردهای بعدی نیز به کارآمدی مطلوب منجر نخواهند شد. دلیل این مدعا این است که به موجب قانون اساسی، حکمرانی در جمهوری اسلامی فقه پایه است. مطابق اصل دوم قانون اساسی، یکی از پایه‌های جمهوری اسلامی، کرامت و ارزش والای انسانی است که در وهله نخست از طریق «اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت» تأمین می‌گردد. مطابق اصل چهارم، «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد». بدون شک مهم‌ترین اصل در اصول قانون اساسی همین اصل است؛ زیرا «این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

اما حل مسئله‌های زنان در جامعه کنونی، بر اساس کدام رویکرد اجتهادی فقیهانه به نقطه مطلوب می‌رسد؟ این سؤال بسیار مهمی است که باید در تحقیقاتی مستقل به آن پرداخت. پیش‌ازاین در آثار مختلفی رویکردهای رایج فقیهان در مواجهه با مسائل زنان را مورد بررسی قرار داده (شجریان، ۱۴۰۰؛ شجریان، ۱۴۰۱ ج) و کوشیده‌ام مطلوب‌ترین رویکرد برای حل این مسائل را شناسایی نمایم (شجریان، ۱۴۰۱ ب) در اینجا خلاصه یافته آن پژوهش‌ها را در کمال اختصار شرح می‌دهم.

مطالعات نشان می‌دهد که در مواجهه با مسائل زنان، دست‌کم پنج رویکرد کلان فقهی و شبه فقهی وجود دارد: ۱. پذیرش تبعیدی تمایزات تکلیفی و حقوق میان زنان و مردان؛ ۲. تلاش برای موجه‌سازی تمایزات؛ ۳. کاستن از تمایزات در مرحله اجرای حکم شرعی؛

۴. کاستن از تمایزات با بازاندیشی در ادله فقهی و ۵. کاستن از تمایزات با بازاندیشی در قواعد اصولی و روش‌شناسی فقهی. به نظر می‌رسد هیچ‌یک از رویکردهای فوق به‌تنهایی، کامل‌ترین رویکرد برای بسط عدالت جنسیتی نیستند.

کامل‌ترین رویکرد «رویکردی ترکیبی» است. رویکردی که در وهله اول دغدغه روزآمدسازی اصول و روش‌شناسی فقه برای حل مسئله‌های کنونی را در سر دارد. پس‌از آن در ادله شرعی با روش‌های ارتقایافته بازاندیشی می‌کند و در این مقام عنایت ویژه‌ای به تحولات عصری (عنصر زمان و مکان) دارد و با نگاهی عمیق و بهره‌گیری از ظرفیت عقل مستقل، مصالح و مفاسد اقتضایی که در موضوعات شرعی نوپدید وجود دارند را نیز بررسی می‌کند و از نظرات متخصصین برای شناخت دقیق موضوعات جدید نیز غفلت ندارد.

۲-۲-۲. اصلاحات قانونی و ساختاری

دومین راهبرد تحقق عدالت جنسیتی، اصلاحات قانونی و ساختاری است. پیش‌تر در کلام منقول از مقام معظم رهبری این مسئله در خصوص خشونت خانگی مطرح شد. باید توجه کرد که این اصلاحات طبعاً مبتنی بر نتایج راهبرد قبل شکل خواهند گرفت؛ زیرا فتاوی‌ای فقهی عین قانون نیستند؛ اما بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین منشأ شکل‌گیری آن هستند. از این جهت لازم است که در مجلس شورای اسلامی، برابند فتاوی‌ای فقهی مبتنی بر اجتهادات روزآمد فقهی نصب‌العین قرار گیرند و مبتنی بر آن‌ها خلأهای قانونی برطرف شود، قوانین لازم‌الاجرا جدید وضع گردد، ساختارهای موجود که تبعیض و بی‌عدالتی را ترویج می‌دهند بازسازی و اصلاح شوند و احیاناً ساختارهایی جدید متناسب با اقتضائات حل مسئله تأسیس گردند.

مثلاً بر اساس برخی از پژوهش‌ها یکی از ساختارهای لازم در جمهوری اسلامی که می‌تواند بسیاری از مسائل مربوط به زنان و خانواده را حل‌وفصل نماید، تأسیس وزارت خانواده به‌عنوان یک نهاد متولی مسئول در خانواده است. در ساختار کنونی نهادهای غیرمتمرکز و متعددی برای تدبیر مسائل زنان و خانواده وجود دارد، که نظارت مطلوب بر

آنها و پاسخ‌گویی لازم از جانب آنها نیز وجود ندارد. وزارت خانواده با تجمیع این نهادها، می‌تواند به انسجام ساختاری کلان در سطح دولت نیز منجر شود. مسئله نظارت و پاسخ‌گویی این وزارت نیز با ورود مجلس شورای اسلامی تسهیل خواهد شد (میرتبار و دشتی، ۱۴۰۰: ۲۳) علاوه بر این رویکرد سیستمی و تجربه موفق در مورد ساختارسازی برای خانواده در جهان نیز این امر را تایید می‌کند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حدود ۷۰ کشور در دنیا یا دارای وزارت خانواده یا دارای نهاد متولی رسمی پاسخ‌گو در تراز وزارتخانه در حوزه امور خانواده هستند (میرتبار و دشتی، ۱۴۰۰: ۲۸).

۲-۲-۳. اصلاحات فرهنگی پیرامون تمایزات جنسیتی غیرعادلانه

بر پایه اجتهاد روزآمد در منابع اسلامی، برخی تمایزات جنسیتی مسئله‌ای بیگانه از شرع هستند. برای مثال باور مستفاد از برخی روایات (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۳۵)، که سند و متن آن توسط محققین موردنقد قرار گرفته است (طیّبی، و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۴)، مبنی بر اینکه زنان عورت هستند و حبس کردن آنها در خانه امری شایسته است و هرگونه حضور اجتماعی آنان امری مذموم است، توسط برخی اندیشمندان اسلامی مطرح شده است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۸: ۱۰۶). هرچند این باور در ذهنیت عمومی جامعه کنونی رواج ندارد، اما در میان برخی افراد این تصور فرهنگی را رقم زده است که تصاحب جایگاه‌های سیاسی و اجتماعی، امری «مردانه» است. بر این اساس یکی از راهبردهای مهم برای تحقق عدالت جنسیتی، اقدامات فرهنگی برای مقابله با این دست باورهای غیرشرعی و عقلی است.

پیداست که راهبرد مذکور تمایز عمیقی با دیدگاه‌های فمینیستی دارد. در دیدگاه‌های فمینیستی، تمامی تمایزات جنسیتی امری برساختی و غیر اصیل شمرده شده و همه آنها نامعتبر تلقی می‌شود؛ اما بر اساس این راهبرد تنها تمایزات جنسیتی نامعتبر است که نتوان مصالح و مفاسدی که در ورای آنها وجود دارد را تثبیت کرد و از عادلانه بودن آنها دفاع نمود. بر این اساس می‌توان در نگاه مطلوب به عدالت جنسیتی، تمایزات جنسیتی را به دو دسته عادلانه و غیرعادلانه تقسیم کرد. تمایزات جنسیتی عادلانه، تمایزاتی هستند که

تبعیت از مصالح و مفاسد آن‌ها را تأیید می‌کند، مانند تمایزات زن و مرد در نقش‌های خانوادگی و تمایزات جنسیتی ناعادلانه تمایزاتی هستند که مبتنی بر مصالح نیستند و مفاسدی نیز در پی دارند؛ مانند تمایز زن و مرد در تصاحب مناصب سیاسی و اجتماعی.

۲-۲-۴. شایسته‌سالاری سیاسی و اجتماعی

یک راهبرد اساسی برای تحقق عدالت جنسیتی، حاکم ساختن اصل شایسته‌سالاری در تصاحب موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی است. برای تصاحب این موقعیت‌ها - مگر در موارد خاص مثل تخصص‌های پزشکی مربوط به بیماری‌های زنان یا مشاغل سخت که با فیزیولوژی نوع زنان تناسب ندارد- جنسیت به معنای زن یا مرد بودن به‌خودی‌خود هیچ شایستگی را ایجاد نمی‌کند. مقتضای عدالت به معنای وضع الشیء فی موضعه این است که در موقعیت‌های مذکور، فردی قرار گیرد که می‌تواند بیشترین مصالح را تأمین کرده و بیشترین مفاسد را از بین ببرد و بر این اساس لازم است در این مقام بدون تن‌دادن به ملاحظات فرهنگی، فرد شایسته را در این مناصب نهاد.

به نظر می‌رسد این مسئله در ساختارهای سیاسی هنوز به نقطه مطلوب نرسیده است. برای مثال در طول ۱۴ دولتی که تاکنون در نظام اسلامی ایران شکل گرفته است، تنها ۲ زن به‌عنوان وزیر انتخاب شده‌اند. پیدا است که راهبرد شایسته‌سالاری عدد خاصی را برای تصاحب این مناصب برای زنان یا مردان مشخص نمی‌کند؛ اما وقتی این عدد تا میزان مذکور کم است، درحالی‌که در جامعه ایران اسلامی زنان شایسته کم نیستند، معلوم می‌شود وضعیت مطلوبی از این جهت وجود ندارد.

۲-۲-۵. خانواده محوری

بر اساس این راهبرد باید در کل راهکارها و قوانینی که برای عدالت جنسیتی وضع می‌شوند دقت کرد تا قانون مذکور موجب تضعیف خانواده و در حاشیه قرار گرفتن آن نشود. در اسلام، خانواده به‌عنوان سنگ بنای جامعه و محل تربیت نسل‌های آینده مورد توجه ویژه قرار گرفته است. قرآن و سنت پیامبر(ص) و ائمه(ع) بر حفظ و تقویت نهاد

خانواده تأکید فراوان دارند. این در حالی است که بر اساس گزارش قبلی، برخی راهبردهای برابری جنسیتی، نظیر «مخالفت با تقسیم‌کار سنتی در محیط خانواده» و «به رسمیت شناختن LGBTQ+»، به تضعیف خانواده در شکل سنتی آن می‌انجامد.

به نظر می‌رسد در برابری جنسیتی، انسان با انواع جنسیت‌ها در محور قرار دارد و خانواده به بهانه ایجاد برابری و آزادی در حق این انسان تضعیف می‌شود؛ اما در عدالت جنسیتی خانواده در محور قرار دارد و زن و مرد (نه انواع جنسیت‌ها) به جهت تأمین مصالح خانواده، برخی محدودیت‌ها پیدا خواهند کرد. در برابری جنسیتی در فرض تراحم مصلحت فرد (با انواع جنسیت‌ها) با مصلحت خانواده، مصلحت فرد مقدم می‌شود؛ اما در عدالت جنسیتی، در تراحم مصلحت فرد (زن و مرد) با مصلحت خانواده، مصلحت خانواده مقدم می‌شود. پیداست که این امر هیچ منافاتی با نقش دولت در تسهیل فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان ندارد؛ زیرا این نقش‌ها به‌خودی‌خود منجر به تضعیف نهاد خانواده نمی‌شوند و زن در الگوی سوم خود می‌تواند در عین بازیگری شایسته در نقش مادری، به عنصری تأثیرگذار در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز تبدیل شود.

باید توجه داشت که تقدم مصلحت خانواده بر مصلحت فرد، درنهایت به کمال فردی نیز منجر خواهد شد؛ بر همین اساس است که در باور اسلامی، کمال زن و مرد با تشکیل خانواده و پذیرش نقش‌های همسری، مادری و پدری محقق خواهد شد. پیداست که وقتی خانواده در محور قرار گیرد، برخی محدودیت‌ها و قوانین برای هر یک از زن و مرد ایجاد خواهد شد؛ اما این امور مادامی‌که مصداق وضع الشیء فی موضعه باشند و بیشترین مصالح و ثمرات را برای فرد، خانواده و جامعه به بار آورند، منافاتی با عدالت نخواهند داشت. نقش‌های متفاوت خانوادگی مثل مراقبت مادر از فرزندان و تأمین مخارج زندگی توسط پدر، نقش‌های جنسیتی متناسب با دستگاه وجودی زن و مرد هستند و عهده‌دار شدن آن‌ها به خیر و صلاح هر دو جنس است. زن و مرد در محیط خانواده و با تن دادن به این محدودیت‌ها موجب کمال یکدیگر می‌شوند.

مجدداً تأکید بر این نکته لازم است که بیان فوق به معنای عادلانه شمردن همه تمایزات جنسیتی رایج در عرف و فرهنگ ایرانی اسلامی نیست و بر اساس راهبردهای

قبل امکان غیرعادلانه بودن آن‌ها حتی در بستر خانواده، منتفی نیست و بررسی انتقادی این تمایزات با تکیه بر اجتهاد روزآمد و استنطاق حکم از عقل و شرع، در تعیین تمایزات جنسیتی عادلانه و ناعادلانه لازم خواهد بود.

۲-۲-۶. توجه به ادراک عدالت جنسیتی

عدالت جنسیتی را می‌توان در دو سطح صورت‌بندی کرد: سطح واقعی و سطح ادراکی. تعریف برگزیده‌ای که از عدالت جنسیتی ارائه کردیم، ناظر به سطح واقعی آن است. شرط تحقق سطح واقعی، رفع تبعیض میان زنان و مردان است به گونه‌ای که مرد بودن یا زن بودن هیچ انسانی، مانع از دستیابی او به حقوق شایسته خویش نگردد و هر یک در موضع شایسته خویش قرار گیرند. پیداست که اولاً این آرمان لزوماً مستلزم بخشیدن حقوق مشابه و متساوی به زنان و مردان نیست و ثانیاً با تحقق عدالت جنسیتی، لزوماً سطح ادراکی عدالت جنسیتی محقق نخواهد شد؛ زیرا مقوله ادراک عدالت، وابسته به شخص مدرک است و در فرضی که شخص در باب حقی که به او تخصیص یافته است توجیه نباشد، «ادراک عدالت جنسیتی» محقق نخواهد شد، حتی اگر در سطح واقعی تخصیص حقوق به صورت عادلانه شکل گرفته باشد.

از آنچه گفته شد نسبت میان «برابری و تشابه زن و مرد در حقوق» با «عدالت جنسیتی» نمایان می‌شود. عدالت جنسیتی در سطح واقعی و تعریف برگزیده، رابطه مستقیمی با برابری از همه جهات ندارد و چه بسا در ظرف نابرابری شکل گیرد؛ اما در سطح ادراکی و در تلقی انسان کنونی رابطه عدالت جنسیتی با برابری، رابطه‌ای مستقیم است. حقوق و تکالیف متمایز و نابرابر میان زنان و مردان و نیز ساختارهایی که به هر نوع نابرابری زنان و مردان می‌انجامد، هرچند در سطح واقعی عادلانه باشند؛ اما در سطح ادراکی نوعاً خلاف عدالت تصور می‌شوند و تبیین عادلانه بودن آن‌ها نیازمند بیان و توضیح است. به دیگر سخن برابری در عدالت جنسیتی واقعی اصل نیست، اما در عدالت جنسیتی ادراکی اصل است.

نکته مهم این است که حکمرانی مطلوب در قبال تحقق هر دو سطح از عدالت جنسیتی مکلف است. اگر عدالت جنسیتی در سطح واقعی را تأمین نکند، تبعیض و ظلم را در روابط زنان و مردان حاکم خواهد ساخت و به صورت عینی و واقعی جامعه‌ای ظالمانه را رقم خواهد زد و اگر عدالت جنسیتی در سطح ادراکی را تأمین نکند، اعتقاد و باور به ظلم و تبعیض را در خانه ذهن شهروندان خود خواهد نشاند و در چنین فرضی آرامش روانی را از شهروندان سلب خواهد کرد و مانع از شکل‌گیری روابط شایسته در میان آنان خواهد شد و از همین طریق سرمایه اجتماعی آن نیز به مرور تحلیل می‌رود.

بنا بر توضیحات فوق معلوم می‌شود که تصویب قوانینی که مفاد آن‌ها «نابرابری ناموجه» است، به صلاح جامعه نیست. قوانین نابرابر و اعتبار بخشیدن به ساختارهای مقوم نابرابری، تنها در صورتی قابل دفاع است که نابرابری در نزد مخاطبان معقول و عادلانه ادراک شود وگرنه در فرضی که تمامی یا غالب شهروندان قانون یا ساختاری را غیرعادلانه محسوب می‌کنند، تا قبل از اقدام فرهنگی و اصلاح این ادراک عمومی، اعمال چنین قوانین و اعتبار بخشیدن به چنین ساختارهایی قابل دفاع نیست و خلاف عدالت جنسیتی در سطح ادراکی محسوب می‌شود؛ زیرا حاکمیت موظف است علاوه بر تأمین عدالت حقیقی، شهروندان خود را در باب تحقق عدالت ادراکی نیز توجیه کند وگرنه الزامی کردن قوانینی که پشتوانه نرم فکری آن‌ها در میان اکثریت شهروندان حاصل نشده است، به تشدید نارضایتی‌های عمومی و تحلیل سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، هرچند برابری میان زن و مرد در برخی موارد صحیح است؛ اما به صورت مطلق صحیح نیست؛ بلکه عدالت جنسیتی به صورت مطلق صحیح و معتبر است. این مقاله به تحلیل این موضوع پرداخت و با بررسی برابری جنسیتی، نامعتبر بودن آن در همه ساحت‌ها را نشان داد و با بررسی عدالت جنسیتی در اندیشه اسلامی، دلیل معتبر بودن آن به صورت مطلق را نمایان ساخت. حاصل سخن این است که برخلاف اندیشه غالب فمینیستی، الگوی صحیح در روابط میان زنان و مردان «برابری مطلق» نیست. الگوی صحیح «عدالت» است و البته عدالت به نفی «مطلق برابری» نخواهد انجامید؛ بلکه به برابری در برخی ساحت‌ها و نابرابری در برخی دیگر ختم خواهد شد.

در پارادایم برابری مطلق فمینیست‌ها، مبدأ هستی عمدتاً در چهارچوب «الهیات تنزل» تفسیر می‌شود که بر اساس آن کشف اراده او در باب تنظیم راهبردهای برابری جنسیتی، جایگاهی ندارد. علاوه بر این در پارادایم فمینیستی انسان موجودی مادی تفسیر می‌شود که تمایزات جنسیتی و حتی جنسی در او اموری برساختی و نامعتبر تلقی می‌شوند؛ اما در پارادایم اسلامی، مبدأ هستی کامل و حکیم مطلق است و کشف اراده تشریعی او در تنظیم راهبردهای عدالت جنسیتی توسط دانش فقه، نقشی تعیین کننده دارد. انسان نیز موجودی فرامادی است که تمایزات جنسی و نیز برخی تمایزات جنسیتی در مورد آن معتبر است.

به نظر می‌رسد معنای صحیح عدالت جنسیتی برخلاف برابری جنسیتی مطلق از این قرار است: «قرار دادن هر چیز در جای خودش در روابط میان زنان و مردان و قوانین، فرایندها و ساختارهای ناظر به آنان». برخلاف برابری جنسیتی مطلق، در این تعریف اولاً موضوع عدالت زن و مرد است نه انواع جنسیت‌ها؛ ثانیاً هرچند عدالت در برخی موارد مستلزم برابری است؛ اما برابری مطلق بین زن و مرد لزوماً به تحقق عدالت نمی‌انجامد؛ ثالثاً شرط عدالت قرار دادن هرچیز در جای خودش به سبب مراعات بیشترین مصالح و مفاسد ممکن است؛ رابعاً عدالت تنها در روابط فردی محقق نشده بلکه مشروط به تنظیم روابط ساختاری است؛ خامساً تبعیت از مصالح و مفاسد واقعی شرط تحقق عدالت است و سادساً تمامی تمایزات جنسیتی عادلانه یا غیرعادلانه تلقی نمی‌شود.

بر اساس پارادایم اسلامی و تعریف مختار از عدالت جنسیتی، مهم‌ترین راهبردهای تحقق آن از این قرار است: «استمداد از اجتهاد فقهی روزآمد»، «اصلاحات قانونی و ساختاری»، «اصلاحات فرهنگی»، «شایسته‌سالاری سیاسی و اجتماعی»، «خانواده محوری»، «توجه به ادراک عدالت جنسیتی» و «پرهیز از نابرابری‌های ناموجه در عرصه قانون‌گذاری».

فهرست منابع:

- آشوری، داریوش (۱۳۸۳). *دانشنامه انسانی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*. تهران: مروارید.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*. (علی‌اکبر غفاری و علی‌اکبر غفاری). قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- اخیانی، جمیل؛ انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در: khamenei.ir
- دلفی، کریستین (۱۳۸۵). *بازاندیشی در مفاهیم جنس و جنسیت در فمینیسم و دیدگاه‌ها* (ویرایش شهلا اعزازی و مریم خراسانی). تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ساشوکی، مارجوری (۱۳۸۲). *الهیات فمینیستی در فمینیسم و دانش‌های فمینیستی*. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- شجریان، مهدی (۱۳۹۹ الف). *بررسی رویکردهای رایج در مفهوم عدالت جنسیتی*. مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۱۲(۷)، ۳۱-۵۲.
- شجریان، مهدی (۱۴۰۱ الف). *درآمدی بر مبانی انسان‌شناسی عدالت جنسیتی از منظر حکمت صدرایی، با تأکید بر نقد مبانی فمینیستی*. معرفت فلسفی، ۷۵(۱۹)، ۵۷-۷۴.
- شجریان، مهدی (۱۳۹۹ ب). *درآمدی بر مبانی خداشناسی عدالت جنسیتی بر پایه حکمت متعالیه*. پژوهش‌های اسلامی زن و خانواده، ۳(۲)، ۱-۲۴.
- شجریان، مهدی (۱۴۰۳). *درباره عدالت جنسیتی؛ نگاهی به فمینیسم و حکمت متعالیه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شجریان، مهدی (۱۴۰۱ ب). *عدالت جنسیتی و رویکرد فقهی مطلوب در عرصه حکمرانی*. فقه حکومتی، ۱۳(۰)، ۱۰۱-۱۲۹.
- شجریان، مهدی (۱۴۰۰). *عدالت جنسیتی و گفتمان تغییر در احکام فقهی زنان*. مطالعات راهبردی زنان، ۹۱(۲۳)، ۷-۲۸.
- شجریان، مهدی (۱۴۰۱ ج). *عدالت جنسیتی و گفتمان عدم تغییر در احکام فقهی زنان*. مطالعات راهبردی زنان، ۹۸(۲۵)، ۱۱۱-۱۳۱.

- شجریان، مهدی؛ واعظی، احمد (۱۳۹۸). *مبدأ هستی در الهیات فمینیستی و حکمت صدرایی*. مطالعات جنسیت و خانواده، ۱۲(۷)، ۵۳-۷۸.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۲). *نهج البلاغه*. (عزیزالله عطاردی قوچانی)، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). *مفاتیح الغیب*. (محمد خواجه‌ای، محمد خواجه‌ای و علی بن جمشید نوری). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. (علی بن عبد الله زنوزی، هادی بن مهدی سبزواری، محمد حسین طباطبایی، محمد بن معصوم علی مدرس زنجان، و محمد رضامحشی مظفر). قم: مکتبه المصطفوی.
- صدر، محمد باقر (۱۴۱۸). *دروس فی علم الأصول*. (علی اکبر حائری و مجمع الفکر الاسلامی). قم: انتشارات اسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). *مفاتیح الغیب*. (محمد خواجه‌ای و علی بن جمشید نوری). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طیبی، ناهید؛ صفری، نعمت الله؛ مهریزی، مهدی (۱۴۰۰). *رابطه روایت «النساء عی و عوره» و وجوب حجاب شرعی تا قرن پنجم*. پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، ۱۴(۸)، ۹۴-۱۳۵.
- علاسوند، فریبا (۱۴۰۳). *عدالت، زن، جنسیت*. قم: پژوهشکده زن و خانواده.
- کریمی، حمید (۱۳۹۰). *تفاوت‌های زن و مرد از نگاه دین و علوم تجربی*. در مجموعه مقالات: جنسیت از منظر دین و روانشناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی* (اسلامیه). (محمد آخوندی و علی اکبر

- غفاری). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). *از جنبش تا نظریه اجتماعی*. تهران: نشر پژوهش شیرازه.
 - معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی* (ج ۱-۲). تهران: آدنا.
 - میرتبار، سیدمرتضی؛ دشتی، محمدتقی (۱۴۰۰). *تنخا؛ تجميع نهادهای خانواده محور و تأسيس نهاد متولی مسئول خانواده در ایران*. قم: مکتب اندیشه.
 - ویتکین، جورجیا (۱۳۸۴). *فشار روانی بر زن*. (مهدی قراچه‌داغی، مترجم). تهران: نقش و نگار.
 - Abdullah Noor, Layla. (2024). Gender Justice in Saudi Arabia: A Sociotechnical Insuuumoo's Approach to Addressing Domestic Violence Against Women and Men. *Al Manhaj: Jurnal Hukum Dan Pranata Sosial Islam*, 6(2), 279-294.
 - Alhaji Ali, Mustapha; & Buratai, Halima. (n.d.). Women and gender equality: justice or civilization? *Journal of Liberty and International Affairs*, 5(3), 55-68.
 - Burr, Vivien. (2002). *Gender and Social Psychology*. London: Routledge.
 - Clavero, Sara; & Galligan, Yvonne. (2021). Delivering gender justice in academia through gender equality plans? Normative and practical challenges. *Gender, Work & Organization*, (28), 1115-1132.
 - Davis, Lisa; & Kirby, JM. (2024). LGBTQI+ Inclusion and the Definition of the Crime of Gender Apartheid. Retrieved from <https://4genderjustice.org/wp-content/uploads/2024/01/Gender-Aparthied-Inclusion-QA-Factsheet-.pdf>
 - De Wit, Hans; & other. (2016). *Gender Justice in Muslim-Christian Readings*. Netherlands: Hotei Publishing.
 - Dobranja, Dita; Jahaj, Rozafa; & Loshaj, Jeta. (2024). *Gender Analysis: A Multifaceted Overview of Gender Justice in Kosova*. Kosova: Friedrich-Ebert-Stiftung Kosova,.
 - Gender Justice. (2019). Retrieved from <https://rolhr.undp.org/content/ruleoflaw/en/2019/Focus/Gender-justice.html>
 - Gordon, Eleanor. (2019). *Justice and Gender*. Switzerland: Geneva Centre for Security Sector Governance.
 - Groot, David de. (2024). The rights of LGBTI people in the European Union. EPRS | European Parliamentary ResearchService.
 - Haque, Alaul; Hossain, Amir; & Das, Yati. (2021). UNDERSTANDING GENDER JUSTICE WITH RESPECT TO DIFFERENT EMANCIPATORY MODELS AND PRINCIPLES OF GENDER JUSTICE: A CONTEXTUAL STUDY. *International Journal of Multidisciplinary Educational Research*, 10(12), 58-61.
 - ee yoo od, nn dr (2017). oo ooocg an nmroduooon. London: Palgrave.
 - International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association. (20-23). *Gender disinformation in the context of LGBTI communities*. Retrieved from <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/issues/expression/cfis/gender-justice/subm-a78288-gendered-disinformation-cso-ilga-world.pdf>
 - Ipsos. (2024). *LGBT+ PRIDE 2024 A 26-Country Ipsos Global*. paris: Ipsos.

- Johns, David. (2020). GENDER JUSTICE TOOLKIT.
- Kessler, Suzanne; & McKenna, Wendy. (1985). Gender: An Ethnomethodological Approach. United States: University of Chicago.
- Kumar Das, Pradip. (2004). LGBTQ Rights and Gender Equality: A Legal Analysis. International Journal of Judicial Science Research Studies, 1(1), 1-4.
- MacArthur, Jess. (2022). Gender-transformative approaches in international development: A critical appraisal. *Women's Studies International Forum*, (95), 1-11.
- Maitrayee, & Navsharan, Singh. (2007). Gender Justice Citizenship and Development. New Delhi: Zubaan.
- Neuenfeldt, Elaine. (2015). Identifying and Dismantling Patriarchy and Other Systems of Oppression of Women. World Council of Churches.
- O'Connell, David. (2015). *Gender Justice: A Critical Appraisal*. CBBBILITIE RRRR FAAAAAAI FRR WMME" RIGHT A EENEER JUSTICE. NIGERIA: UNIVERSITY OF IBADAN.
- O'Connell, David. (2024). *Gender Justice: A Critical Appraisal*. *Psychiatry*, 16(4), 753-766.
- OutRight Action International. (n.d.). Gender Justice and Freedom of Opinion and Expression for LGBTI persons. Retrieved from <https://www.ohchr.org/sites/default/files/2021-11/OutRight-Action-International.pdf>
- Peck, Steven. (2022). The Criminal Justice System and the LGBTQ Community: An Anti- Queer Regime. *Research Journal of Justice Studies and Forensic Science*, 10(5), 103-132.
- Reed, Evelyn. (1978). *Sexism and Science*. New York: Pathfinder Press.
- SARL, Fluid. (2019). *Gender Justice & Equality before the law*. New York: United Nations Development Programme.
- Shree Singh, Shreya. (2020). GENDER JUSTICE: A CRITICAL APPRAISAL. *INTERNATIONAL JOURNAL OF LEGAL DEVELOPMENTS AND ALLIED*, 6(4), 120-143.
- T. Zachos, Dimitris; & Patsikouridi, Maria. (2020). POSITIVE DISCRIMINATION POLICIES IN EDUCATION, THE CASE OF GREECE. In *International Conference Education Across Borders Education in the 21st Century: Challenges and Perspectives* (pp. 795-804). UNIVERSITY OF WESTERN MACEDONIA FACULTY OF SOCIAL SCIENCES AND HUMANITIES.
- United Nations Population Fund. (2005). Frequently asked questions about gender equality. Retrieved from <https://www.unfpa.org/resources/frequently-asked-questions-about-gender-equality>
- What is Gender Justice? (2024). Retrieved from <https://www.globalfundforwomen.org/what-we-do/gender-justice/>
- Wood, Hannelie. (2015). Revisiting Mary Daly. *Theological Studies*, 1(1), 1-10.